



ناترازی فزاینده
گاز طبیعی در
ایران، بویژه در
فصل سرما به یکی
از چالش‌های
مزمین نظام انرژی
کشور تبدیل شده
است که حاصل
ترکیب چند عامل
ساختاری؛ رشد
سریع مصرف
داخلی؛ افت
طبیعی تولید از
میادین در حال
بهره‌برداری از
جمله پارس
جنوبی؛
سرمایه‌گذاری
ناکافی در توسعه
میادین جدید و
محدودیت‌های
فناورانه است

انرژی محسوب می‌شود. مسأله خوراک پتروشیمی نیز باید در همین چهارچوب کلان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

ناترازی گاز و تحلیل مصوبه اخیر دولت (راهکار درست، ابزار ناکافی)

ناترازی فزاینده گاز طبیعی در ایران، بویژه در فصل سرما به یکی از چالش‌های مزمین نظام انرژی کشور تبدیل شده است که حاصل ترکیب چند عامل ساختاری؛ رشد سریع مصرف داخلی؛ افت طبیعی تولید از میادین در حال بهره‌برداری از جمله پارس جنوبی؛ سرمایه‌گذاری ناکافی در توسعه میادین جدید و محدودیت‌های فناورانه است.

از یکسو رشد مصرف خانگی و تجاری و افت طبیعی تولید میادین، سبب شده شکاف میان عرضه و تقاضا به‌طور مستمر رشد افزایشی داشته باشد و از سوی دیگر در چنین شرایطی، شرکت ملی نفت ایران نیز با محدودیت جدی منابع مالی، دستیابی به فناوری‌های نوین و توان اجرایی برای توسعه میادین جدید یا افزایش ضریب بازیافت مواجه است.

صنایع انرژی‌بر و گازمحور همچون صنعت پتروشیمی اولین قربانیان محدودیت عرضه هستند. این وضعیت، ریسک عملیاتی صنعت پتروشیمی را به شدت افزایش داده و سبب کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌ها و بی‌ثباتی در برنامه‌ریزی صادرات این صنعت شده است. در چنین شرایطی، فشار صنایع بزرگ برای تضمین امنیت خوراک افزایش یافته و زمینه‌ساز ورود آنها به حوزه بالادست شده است.

در این راستا و به‌منظور رفع موانع توسعه صنایع یادشده و در پاسخ به محدودیت‌های گفته شده، به‌استناد تبصره ۳ بند ب ماده ۱۵ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، هیأت وزیران آیین‌نامه توسعه و افزایش تولید میادین گازی با تخصیص گاز تولیدی به واحدهای صنعتی انرژی‌بر و واحدهای پتروشیمی را تدوین و در ۳۱ فروردین امسال مصوب و ابلاغ کرد. براساس این مصوبه، مسیر مشارکت و سرمایه‌گذاری مستقیم صنایع بزرگ و هلدینگ‌های پتروشیمی در توسعه میادین گازی هموار شده است.

این مصوبه بی‌تردید می‌تواند بخشی از بار سرمایه‌گذاری بالادست را از دوش دولت برداشته و بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری در بالادست کند، اما بررسی دقیق مفاد آن نشان می‌دهد که تضمین روشنی برای تخصیص پایدار گاز به سرمایه‌گذاران صنایع انرژی‌بر و واحدهای پتروشیمی وجود ندارد. بویژه در دوره‌های پیک مصرف، اولویت‌بندی تخصیص گاز همچنان در اختیار حاکمیت باقی است و هیچ تعهد الزام‌آوری برای تأمین خوراک صنایع سرمایه‌گذار پیش‌بینی نشده است.

در نتیجه، ریسک اصلی که هلدینگ‌های پتروشیمی به دنبال کاهش آن هستند، یعنی ریسک قطع یا محدودیت خوراک، در عمل و کامل برطرف نمی‌شود. منطق این مصوبه آن است که با جذب سرمایه بخش صنعت ارزآور پتروشیمی، هم تولید گاز افزایش یابد و هم امنیت خوراک همان صنایع تضمین شود. اما مفاد مصوبه به‌صراحت تضمینی برای تخصیص گاز تولیدی به سرمایه‌گذار، بویژه در دوره‌های پیک مصرف، ایجاد نمی‌کند. در واقع، حتی با مشارکت پتروشیمی‌ها در توسعه میادین، اولویت سیاست‌گذار تخصیص گاز همچنان و به‌طور طبیعی (خصوصاً در پیک مصرف و در فصل زمستان)، تابع ملاحظات کلان امنیت انرژی، مصارف خانگی و تعهدات صادراتی خواهد بود. این نکته کلیدی، تردید جدی نسبت به کارایی این مصوبه به‌عنوان ابزار تضمین خوراک ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که ریشه مسأله بیش از آن که ناشی از کمبود سرمایه باشد، به حکمرانی تخصیص گاز و عدم مصرف بهینه مصرف‌کنندگان بویژه مصرف‌کنندگان خانگی و تجاری باز می‌گردد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که مطابق مصوبه، مدل قرارداد مبتنی بر فروش گاز غنی و تخصیص سهم مشخص از گاز طبیعی به سرمایه‌گذار است، نه تملک میدان، البته همواره باید اولویت تضمین

۷۵ میلیون مترمکعب در روز به ترتیب در نیروگاه‌ها و صنایع عمده (از جمله صنعت فولاد) در سال ۱۴۰۳ در کنار نقش این منبع در صادرات منطقه‌ای، سبب شده هرگونه اختلال در عرضه گاز پیامدهایی فراتر از یک بخش خاص داشته باشد.

در صنعت پتروشیمی به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد صنعتی و صادرات غیرنفتی، گاز طبیعی نه‌تنها به‌عنوان سوخت، بلکه عمدتاً به‌عنوان خوراک پایه به کار می‌رود، تبدیل گاز طبیعی به متانول، آمونیاک و اوره، (با مصرف تقریبی ۲۹ میلیون مترمکعب در روز در سال ۱۴۰۳) مهم‌ترین مسیرهای فعلی مصرف گاز در صنعت پتروشیمی ایران بوده و متکی به آن هستند و بخش قابل توجهی از ظرفیت نصب و برنامه‌ریزی شده پتروشیمی ایران با فرض دسترسی پایدار و ارزان به گاز طراحی شده است. در زنجیره متانول، اگرچه ایران به یکی از تولیدکنندگان بزرگ جهان تبدیل شده، اما عدم توسعه متوازن زنجیره‌های پایین‌دستی نظیر MTO و MTP سبب شده بخش قابل توجهی از ارزش افزوده بالقوه گاز محقق نشده و وابسته به بازار مصرف چین باشد. در زنجیره آمونیاک و اوره نیز، گاز طبیعی افزون بر نقش اقتصادی، کارکردی راهبردی در امنیت غذایی کشور و صادرات به منظور تأمین نهاده‌های مورد نیاز کشور دارد.

در سطح کلان‌تر، گزینه‌هایی نظیر تبدیل گاز به سوخت‌های مایع (GTL) و تولید ال‌ان‌جی صادراتی و صادرات مستقیم گاز از طریق خط لوله به کشورهای همسایه از جمله عراق و ترکیه نیز همواره در دستور کار وزارت نفت و سیاست‌گذاران قرار داشته است. در حقیقت، توسعه GTL و LNG به‌شدت سرمایه‌بر بوده و در دهه‌های اخیر، به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، در عمل در ایران به مرحله اجرا نرسیده‌اند یا در مقیاس محدود و یا به‌صورت مجوز کاغذی باقی مانده‌اند. صادرات گاز نیز مستلزم مازاد پایدار تولید نسبت به مصرف داخلی است، شرطی که با توجه به ناترازی ساختاری گاز، بویژه در فصل زمستان و پیک مصرف، تحقق آن با عدم قطعیت جدی مواجه است.

در چنین بستری، گاز طبیعی منبعی کمیاب، چندمنظوره و رقابتی است و مسأله تأمین پایدار و تخصیص آن میان مصارف مختلف، بیش از آنکه یک تصمیم بنگاهی و بخشی باشد، مسأله‌ای در قلب حکمرانی

